

ارتباط شیوه تربیتی والدین با میزان مشکلات رفتاری دانش آموزان

فرناز رحمانی*، دکتر نعیمه سیدفاطمی**، مهین برادران رضایی***،
دکتر کامران صداقت****، دکتر اسکندر فتحی آذر*****

چکیده

هدف: به علت اهمیت تأثیر شیوه تربیتی والدین بر رفتار نوجوانان، این پژوهش با هدف بررسی ارتباط میان شیوه تربیتی والدین و مشکلات رفتاری دانش آموزان نوجوان مدارس شهر تبریز انجام شده است.

روش: پژوهش حاضر یک بررسی مقطعی است و در آن ۳۶۰ (۲۲۴ دختر، ۱۳۶ پسر) نفر دانش آموز نوجوان از مدارس دولتی شهر تبریز به روش نمونه گیری خوشه‌ای انتخاب و به کمک پرسش‌نامه شیوه تربیتی والدین و مقیاس مشکلات رفتاری بررسی شدند. تحلیل داده‌ها به کمک روش‌های آمار توصیفی و آزمون‌های آماری تحلیل واریانس یک‌طرفه و LSD انجام شد.

یافته‌ها: بیشترین درصد دانش آموزان نوجوان، شیوه تربیتی والدین را اقتدارمنش گزارش کرده بودند و نیز بیشتر آنها مشکلات رفتاری در حد متوسط داشتند (به ترتیب ۳۹/۷٪ و ۳۹/۲٪). ارتباط آماری معنی‌داری بین شیوه تربیتی والدین با مشکلات رفتاری دیده شد ($p < 0/05$).

نتیجه‌گیری: شیوه‌های تربیتی والدین بر چگونگی مشکلات رفتاری نوجوانان تأثیر می‌گذارند.

کلیدواژه: شیوه تربیتی، مشکلات رفتاری، نوجوان

مقدمه

همسالان خود تأکید داشته‌اند (کاتز^۱ و گاتمن^۲، ۱۹۹۳).
کودک در فرآیند جامعه‌پذیری با تأثیر از خانواده بسیاری از
ارزش‌ها، باورها و معیارهای رفتاری پذیرش شده جامعه خود

کارشناسان علوم رفتاری همواره بر نقش مؤثر خانواده در
رفتارهای اجتماعی نوجوانان و به‌ویژه در رفتار نوجوانان با

* کارشناس ارشد پرستاری، مربی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تبریز، تبریز، انتهای خیابان شریعتی جنوبی، دانشکده پرستاری و مامایی تبریز. فاکس: ۰۴۱۱-۴۷۹۶۹۶۹ (نویسنده مسئول).
E-mail: f-rahmani@hotmail.com

** دکترای آموزش پرستاری، استادیار دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی ایران.
*** کارشناس ارشد بهداشت جامعه، مربی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تبریز.
**** دکترای جامعه‌شناسی (توسعه اقتصادی - اجتماعی)، استادیار دانشگاه تربیت معلم آذربایجان.
***** دکترای آموزش علوم، استادیار دانشگاه تبریز.

گوسونس^{۱۹}، ۱۹۹۹؛ آنولای^{۲۰}، استاتین^{۲۱} و نورمی^{۲۲}، ۲۰۰۰؛ لامبورن^{۲۳}، مانس^{۲۴}، اشتینرگ^{۲۵} و دورنبوخ^{۲۶}، ۱۹۹۱).

هدف این پژوهش بررسی ارتباط بین شیوه تربیتی والدین با میزان مشکلات رفتاری دانش آموزان نوجوان بود. با توجه به اهمیت دوره نوجوانی، بحرانی بودن آن، لزوم سازگاری اجتماعی و نیز احتمال روی آوردن نوجوان به رفتارهای پرخطر، بررسی ارتباط شیوه تربیتی والدین با میزان مشکلات رفتاری نوجوان مورد توجه قرار گرفته است.

روش

پژوهش حاضر از نوع مقطعی است. آزمودنی‌های پژوهش ۳۶۰ دانش‌آموز (۲۲۴ دختر و ۱۳۶ پسر) دبیرستان‌های دولتی تبریز بودند. برای انتخاب آزمودنی‌ها نخست از نواحی پنج‌گانه آموزش و پرورش شهر تبریز به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، دو ناحیه انتخاب شدند. از هر ناحیه دو دبیرستان دولتی پسرانه و دو دبیرستان دولتی دخترانه انتخاب گردیدند. سپس از هر دبیرستان بسته به موافقت مسئولین دبیرستان‌ها، کلاس‌ها انتخاب شده، همه دانش‌آموزان کلاس‌های انتخاب‌شده با رضایت و با اطمینان یافتن از محرمانه ماندن نتایج، در این پژوهش شرکت نمودند. شرایط شرکت دانش‌آموزان در پژوهش عبارت بود از:

۱- سن ۱۴ تا ۱۸ سال؛ ۲- اشتغال به تحصیل در کلاس‌های اول تا چهارم دبیرستان‌های دولتی نواحی پنج‌گانه شهر تبریز. برای کنترل متغیر جنسیت، آزمودنی‌ها از هر دو جنس انتخاب شدند و برای کنترل متغیر وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانواده که می‌توانست بر شیوه تربیتی والدین مؤثر باشد، آزمودنی‌ها از مدارس نواحی متوسط شهر تبریز نمونه‌گیری شدند.

ابزارهای به کار برده شده در این پژوهش، دو پرسش‌نامه به شرح زیر بود:

1- Townsend	2- Byrne
3- Haddock	4- Poston
5- responsiveness	6- demandingness
7- authoritative	8- authoritarian
9- permissive	10- indulgent
11- Hetthrington	12- Reiss
13- Goldstein	14- Heaven
15- Choa	16- Walker
17- Black	18- Beyer
19- Goossens	20- Aunola
21- Statin	22- Nurmi
23- Lamborn	24- Mounts
25- Steinberg	26- Dornbuch

را فرا می‌گیرد و با ورود به دوره‌های نوجوانی، جوانی و بزرگسالی این فرآیند تحت تأثیر جامعه، کامل می‌گردد (ماسن، ۱۳۷۰). در دوره نوجوانی برخی از نوجوانان گرایش به رفتارهای پرخطر مانند کشیدن سیگار، مصرف دارو و الکل، داشتن رابطه جنسی ناسالم، فرار از مدرسه، فرار از خانه و یا سایر رفتارهای بزهکارانه پیدا می‌کنند که برای سلامت جسمی و روانی آنان بسیار زیان‌بار هستند (تاونسند^۱، ۲۰۰۰). بررسی‌ها نشان داده‌اند فرزندان که والدینشان ارتباط باز و مثبتی را با آنها برقرار کرده، در عین حال استقلال و آزادی شایسته سن نوجوان را به او می‌دهند، کمتر دچار مشکلات رفتاری می‌شوند (بیرنه^۲، هادوک^۳ و پوستون^۴، ۲۰۰۲).

شیوه‌های تربیتی والدین دارای پیامدهای مهمی برای سازگاری اجتماعی نوجوانان هستند و بر پایه ترکیب پاسخ‌دهی^۵ و چشم‌داشت‌های والدین^۶، به چهار نوع اقتدارمنش^۷، قدرت‌گرا^۸، سهل‌گیر^۹ و بی‌کفایت^{۱۰} تقسیم‌بندی می‌شوند (هترینگتون^{۱۱} و رایس^{۱۲}، ۱۹۹۵). در شیوه تربیتی بی‌کفایت، والدین از نظر پاسخ‌دهی و چشم‌داشت‌ها در سطح پایینی قرار دارند (گولداشتاین^{۱۳} و هیون^{۱۴}، ۲۰۰۰). در شیوه تربیتی قدرت‌گرا، والدین قوانین سختی را برای فرزندان خود تعیین می‌کنند اما صمیمی و حمایت‌کننده نمی‌باشند (چوآ^{۱۵}، ۲۰۰۰). در شیوه تربیتی سهل‌گیر، والدین از نظر پاسخ‌دهی در سطح بالایی قرار دارند، ولی چشم‌داشت‌های آنها از فرزندان بسیار اندک است. در شیوه تربیتی اقتدارمنش، والدین از نظر پاسخ‌دهی و چشم‌داشت‌ها در سطح بالایی قرار دارند (لطف‌آبادی، ۱۳۷۸).

با توجه به چالش‌های دوره نوجوانی، شگفت‌آور نیست که نوجوانان به‌عنوان گروه در معرض خطر برای مشکلات رفتاری و فشار روانی در نظر گرفته شوند (گولداشتاین و هیون، ۲۰۰۰). بهداشت روانی ضعیف در دوران نوجوانی می‌تواند رفتارهای زیان‌بار جسمی و روانی را به‌دنبال داشته باشد.

بررسی‌ها نشان داده‌اند که نزدیک به ۱۵٪ نوجوانان از مشکلات روانی رنج می‌برند (ولکر^{۱۶} و تاونسند، ۱۹۹۸؛ بلاک^{۱۷}، ۱۹۹۲). بنابراین ارتقای بهداشت روانی کودکان و نوجوانان با اهمیت شمرده می‌شود. بین شیوه تربیتی والدین و میزان مشکلات رفتاری نوجوانان ارتباط وجود دارد. هر چه میزان حمایت و پاسخ‌دهی والدین در شیوه تربیتی بالاتر باشد، میزان مشکلات رفتاری فرزندان نیز کمتر است (بیر^{۱۸} و

۱- پرسش نامه شیوه تربیتی والدین^۱ (دارلینگ^۲ و اشتینبرگ، ۱۹۹۳) دیدگاه نوجوانان را در زمینه شیوه تربیتی (اقتدارمنش، قدرت گرا، سهل گیر و بی کفایت) ارزیابی می کند و در مقیاس شش درجه ای لیکرت به صورت کاملاً موافقم، موافقم، نسبتاً موافقم، نسبتاً مخالفم، مخالفم و کاملاً مخالفم پاسخ داده می شود. پرسش های مربوط به شیوه تربیتی والدین شامل ۱۵ بیانیه (پنج بیانیه مربوط به پاسخ دهی والدین، پنج بیانیه مربوط به چشم داشت های والدین و پنج بیانیه مربوط به اعطای استقلال روانی والدین به فرزندان) در زمینه دیدگاه نوجوانان نسبت به نوع شیوه تربیتی والدین بود. در بیانیه های مثبت (۱، ۲، ۴، ۶، ۷، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۳ و ۱۴) برای گزینه "کاملاً موافقم" نمره پنج، "موافقم" نمره چهار، "نسبتاً موافقم" نمره سه، "نسبتاً مخالفم" نمره دو، "مخالفم" نمره یک و "کاملاً مخالفم" نمره صفر داده می شد. در بیانیه های منفی (۳، ۵، ۸، ۱۲ و ۱۵) برای از "کاملاً موافقم" تا "کاملاً مخالفم" به ترتیب نمره صفر تا پنج داده می شد. این ابزار را دارلینگ و اشتینبرگ (همان جا) بررسی نموده، ضریب آلفای کرونباخ را ۰/۷۹ گزارش نمودند. مجموع نمره این مقیاس می تواند از صفر تا ۷۵ نوسان داشته باشد.

۲- مقیاس مشکلات رفتاری^۳ دکوویک^۴ و همکاران (۱۹۹۷)، به نقل از نوم^۵، دکوویک و میوس^۶، ۱۹۹۹) که دارای ۱۸ پرسش است و بر پایه مقیاس چهار درجه ای لیکرت به صورت هرگز، ۱-۳ بار، ۴-۱۰ بار و بیش از ۱۰ بار رتبه بندی شده است. ضریب پایایی به دست آمده برای این مقیاس ۰/۸۳ بود (همان جا). نمره های این پرسش نامه می تواند از صفر تا ۵۴ در نوسان باشد. نمره بالاتر مشکلات رفتاری بیشتر را در آزمودنی نشان می دهد. هم چنین در این پرسش نامه ۱۶ پرسش جمعیت شناختی نیز گنجانده شده است.

روایی محتوای پرسش نامه ها با ارایه آن به ۱۲ نفر از استادان دانشگاه علوم پزشکی تبریز مورد تأیید قرار گرفت. پایایی پرسش نامه ها با انجام آزمون آلفای کرونباخ برای پرسش نامه شیوه تربیتی والدین $\alpha = 0/71$ و مقیاس مشکلات رفتاری $\alpha = 0/71$ تعیین گردید.

پرسش نامه ها در کلاس های منتخب توزیع و پس از تکمیل در همان جلسه گردآوری شد. پرسش نامه شیوه تربیتی والدین با توضیح هر یک از عبارات های پرسش نامه برای رفع هرگونه ابهام ارایه شد. داشتن نمره های ۵۷ تا ۷۵ به شیوه تربیتی اقتدارمنش، نمره های ۳۸ تا ۵۶ به شیوه تربیتی سهل گیر،

نمره های ۱۸ تا ۳۷ به شیوه تربیتی قدرت گرا و نمره های صفر تا ۱۷ به شیوه تربیتی طردکننده اختصاص یافت. یکی از متغیرهای مداخله کننده سن بود که در این پژوهش، محدوده سنی ۱۴-۱۸ سال در نظر گرفته شد. در مورد رتبه تولد که می توانست در تعیین شیوه تربیتی والدین از دیدگاه فرزند تأثیرگذار باشد، آزمون تحلیل واریانس تفاوت معنی داری نشان نداد.

تحلیل داده ها به کمک آمار توصیفی و آزمون های آماری تحلیل واریانس یک طرفه و LSD^۷ انجام شد.

یافته ها

جدول ۱ توزیع فراوانی برخی از ویژگی های جمعیت شناختی دانش آموزان نوجوان را نشان می دهد. از ۳۶۰ دانش آموز نوجوان، ۲۲۴ نفر (۶۲/۲٪) دختر و ۱۳۶ نفر (۳۷/۸٪) پسر بودند. میانگین سنی دانش آموزان ۱۶/۲ سال (انحراف معیار ۱/۶) بود.

جدول ۱- توزیع فراوانی دانش آموزان نوجوان (n=۳۶۰) بر حسب گروه سنی، پایه تحصیلی، معدل و رضایت از والدین

متغیر	فراوانی (%)
سن (سال)	
۱۴-۱۵	۶۰ (۱۶/۶)
۱۶-۱۷	۲۱۷ (۶۰/۴)
۱۸-۱۹	۸۳ (۲۳/۰)
پایه تحصیلی	
اول	۹۲ (۲۵/۵)
دوم	۴۱ (۱۱/۴)
سوم	۱۰۴ (۲۸/۸)
چهارم	۱۲۳ (۳۴/۱)
معدل تحصیلی	
۱۰-۱۳	۳۸ (۱۰/۵)
۱۴-۱۶	۱۳۲ (۳۶/۶)
۱۷-۲۰	۱۲۰ (۳۳/۲)
رضایت از والدین	
هر دو	۱۷۳ (۴۸/۰)
پدر	۲۶ (۷/۲)
مادر	۶۵ (۱۸/۰)
هیچ کدام	۹۶ (۲۶/۶)

1- Parenting style Inventory II
 2- Darling
 3- Problem Behavior Scale
 4- Dekovic
 5- Noom
 6- Meeus
 7- Least Significant Differences

جدول ۳- میانگین و انحراف معیار مشکلات رفتاری دانش‌آموزان بر حسب پرسش‌نامه شیوه تربیتی والدین

نمره F	میانگین (انحراف معیار)	مشکلات رفتاری شیوه تربیتی والدین
	۲۶/۱ (۷/۱)	بی‌کفایت
*۵۰۴/۹	۲۴/۸ (۶/۸)	قدرت‌گرا
	۲۱/۷ (۷/۴)	سهل‌گیر
	۱/۹ (۴/۲)	اقتدارمنش

* $p < 0.05$

جدول ۴- ارتباط میان مشکلات رفتاری آزمودنی‌ها در شیوه‌های تربیتی والدین

شیوه تربیتی	بی‌کفایت	قدرت‌گرا	سهل‌گیر	اقتدارمنش
بی‌کفایت	-	N.S.	*	*
قدرت‌گرا		-	*	*
سهل‌گیر			-	*
اقتدارمنش				-

* $p < 0.05$

بحث

پژوهش حاضر به منظور بررسی ارتباط شیوه تربیتی با میزان مشکلات رفتاری دانش‌آموزان دبیرستان‌های دولتی شهر تبریز اجرا گردید. بیشتر دانش‌آموزان مورد بررسی (۳۹/۷٪) شیوه تربیتی والدین خود را اقتدارمنش گزارش کردند و کمترین نسبت (۱۳/۳٪) مربوط به شیوه تربیتی سهل‌گیر بود. اولیوا^۱ (۲۰۰۰) نشان داد که بیشترین درصد دانش‌آموزان شیوه تربیتی والدین را بی‌کفایت و کمترین درصد، شیوه تربیتی والدین را اقتدارمنش گزارش کرده‌اند که با پژوهش حاضر هم‌خوانی ندارد و به نظر می‌رسد که عوامل فرهنگی-اجتماعی دلیلی بر این عدم هم‌سویی باشد. بررسی‌ها نشان داده‌اند نوجوانانی که والدین خود را اقتدارمنش و حمایت‌کننده می‌دانند، کمتر تحت تأثیر دوستان و همسالان دارای رفتارهای ضداجتماعی قرار می‌گیرند. فرزندان والدین اقتدارمنش معمولاً خودمختار، مسلط بر خود و کنجکاو هستند (وندرزندن، ۱۳۷۷)، بنابراین از پایه‌ای‌ترین نیاز برای رشد نوجوانان که یک محیط خانوادگی امن و قابل اعتماد است، برخوردارند (لطف‌آبادی، ۱۳۸۰).

جدول ۲، توزیع فراوانی دیدگاه دانش‌آموزان مورد بررسی را در زمینه شیوه تربیتی والدین نشان می‌دهد. بر پایه داده‌های جدول بیشترین درصد دانش‌آموزان نوجوان (۳۹/۷٪) شیوه تربیتی اقتدارمنش و کمترین درصد (۱۳/۳٪) شیوه تربیتی سهل‌گیر را گزارش کرده‌اند. بیشترین درصد دانش‌آموزان نوجوان (۴۳/۰٪، ۱۵۵ نفر) مشکلات رفتاری متوسط (نمره ۳۵-۱۸) و کمترین درصد (۲۳/۹٪، ۸۶ نفر) مشکلات رفتاری بالا (نمره ۵۴-۳۶) را داشتند. هم‌چنین ۳۳/۱٪ (۱۱۹ نفر) مشکلات رفتاری پایین (نمره ۱۷-۰) را گزارش نمودند. میانگین مشکلات رفتاری پاسخگویان ۱۵/۶ (انحراف معیار، ۱۲/۷) بود.

نتایج تحلیل واریانس یک‌طرفه نشان داد که ارتباط آماری معنی‌داری بین شیوه‌های تربیتی اقتدارمنش ($p < 0.01$)، قدرت‌گرا ($p < 0.01$)، سهل‌گیر ($p < 0.01$) و نیز بی‌کفایت ($p < 0.01$) با مشکلات رفتاری وجود دارد. بالاترین میانگین مشکلات رفتاری دانش‌آموزان نوجوان (۲۶) مربوط به شیوه تربیتی بی‌کفایت و کمترین میانگین (۱/۹) مربوط به شیوه تربیتی اقتدارمنش بود (**جدول ۳**). آزمون تعقیبی LSD تفاوت میانگین مشکلات رفتاری بین نوجوانان از یک سو و شیوه تربیتی اقتدارمنش، شیوه تربیتی بی‌کفایت و شیوه تربیتی قدرت‌گرا را معنی‌دار نشان داد. هم‌چنین ارتباط میان نوجوانان با شیوه تربیتی اقتدارمنش و شیوه تربیتی سهل‌گیر والدین معنی‌دار بود. افزون بر آن بین نوجوانان با شیوه تربیتی بی‌کفایت، شیوه تربیتی سهل‌گیر و نیز شیوه تربیتی قدرت‌گرا والدین تفاوت معنی‌دار ($p < 0.05$) دیده شد. اما تفاوت میان نمرات نوجوانان با شیوه تربیتی بی‌کفایت از یک سو و نوجوانان با شیوه تربیتی قدرت‌گرا از سوی دیگر معنی‌دار نبود (**جدول ۴**).

جدول ۲- توزیع فراوانی دانش‌آموزان نوجوان ($n=360$) بر حسب شیوه تربیتی والدین

شیوه تربیتی والدین	فراوانی (%)
بی‌کفایت (۱۸-۰)	۹۵ (۲۶/۵)
قدرت‌گرا (۳۷-۱۸)	۷۴ (۲۰/۵)
سهل‌گیر (۵۶-۳۸)	۴۸ (۱۳/۳)
اقتدارمنش (۷۵-۵۷)	۱۴۳ (۳۹/۷)
جمع	۲۲۴ (۱۳۶)

هم چنین این بررسی ارتباط آماری معنی داری بین شیوه تربیتی والدین با مشکلات رفتاری نشان داد، به طوری که بالاترین میانگین مشکلات رفتاری دانش آموزان نوجوان (۲۶/۰) مربوط به شیوه تربیتی بی کفایت و کمترین میانگین آن (۱/۹) مربوط به شیوه تربیتی اقتدارمنش بود. این یافته با یافته‌های پژوهش بیر و گوسونس (۱۹۹۹)، آنولا و همکاران (۲۰۰۰) و نیز لامبورن و همکاران (۱۹۹۱) همخوانی دارد.

لامبورن و همکاران (۱۹۹۱) باور دارند نوجوانانی که والدینشان آزادی و استقلال بیش از اندازه اعطاء می کنند و یا هیچ نظارتی بر آنان ندارند، بالاترین میزان مشکلات رفتاری را دارند. او آکس^۱، جکسون^۲ و هنریکسن^۳ (۱۹۹۲) نیز نوجوانانی را که والدین خود را بدون حمایت، مشارکت و علاقه‌مندی توصیف می کنند، دارای مشکلات رفتاری بیشتری گزارش نموده‌اند.

شیوه تربیتی اقتدارمنش که شامل پذیرش عاطفی، اعطای استقلال روانی و کنترل ثابت رفتاری می‌باشد، ارتباط منفی با مشکلات رفتاری دارد (اوناتسو-آرویلومی^۴، نورمی و آنولا، ۱۹۹۸) و احتمال کمتری وجود دارد که این نوجوانان مرتکب رفتارهای ضداجتماعی شوند (گری^۵ و اشتینبرگ، ۱۹۹۹). بررسی‌ها نشان داده‌اند پرورش یافتن در چنین محیطی با شاخص‌های مثبت بهداشت روانی مانند تکامل مثبت اخلاقی و عدم گرایش به بزهکاری و مصرف داروهای اعتیادآور همراه می‌باشد (اشتینبرگ، ۲۰۰۰). هم‌چنان که این بررسی نشان داد، در شیوه تربیتی قدرت‌گرا، نوجوانان میزان بالایی از مشکلات رفتاری را داشتند. نوجوانانی که در محیط استبدادی پرورش می‌یابند در ظاهر حالت تسلیم و اطاعت از خود نشان می‌دهند ولی در واقع دچار هیجان و اضطراب می‌باشند. این افراد در برابر دیگران حالت دشمنی دارند، به بچه‌های هم‌سن یا کوچکتر از خود آزار می‌رسانند، در زمینه عاطفی و اجتماعی رشد کافی ندارند، در کارهای گروهی نمی‌توانند شرکت کنند، اغلب متزلزل و ناپایدار هستند و از پذیرش مسئولیت خودداری می‌کنند (شریعتمداری، ۱۳۷۸). این بررسی نشان داد که نوجوانان با شیوه تربیتی بی کفایت، بالاترین میزان مشکلات رفتاری را داشتند. این کودکان در سازش با محیط دچار مشکل می‌شوند و گرایش به بزهکاری و رفتار ضداجتماعی نیز در بین آنها بیشتر دیده شده است (هنریکسون و راکر^۶، ۱۹۹۹). این فرزندان آرامش را در بیرون از خانه می‌جویند و لذت را در

میهمانی‌ها، خوشگذرانی‌ها و مواد مخدر و الکل می‌یابند (بوآلهری، ۱۳۸۱؛ وندرزندن، ۱۳۷۷).

با توجه به این که شیوه تربیتی اقتدارمنش با کمترین میزان مشکلات رفتاری ارتباط دارد، به نظر می‌رسد که از بهترین شیوه‌های تربیتی والدین باشد. هم‌چنان که بررسی‌ها نشان داده‌اند، شیوه تربیتی اقتدارمنش سبب سازگاری روانی-اجتماعی بهتر نوجوان می‌شود (نوآک^۷، کر^۸ و اولاه^۹، ۱۹۹۹). در بررسی حاضر نیز بیشتر والدین از این نوع شیوه تربیتی بهره می‌گرفته‌اند. بنابراین یافته‌های پژوهش گویای آن است که بین شیوه تربیتی والدین با میزان مشکلات رفتاری نوجوانان ارتباط معنی دار وجود دارد.

نوجوان به دلیل تجربه اندک و مهارت‌های سازگاری کم، آمادگی بیشتری برای پرداختن به رفتارهای ضداجتماعی مانند دزدی، فرار از خانه و مدرسه و سوء مصرف مواد دارد (نایتینگل^{۱۰} و فیشهاف^{۱۱}، ۲۰۰۲).

گفتنی است از آنجا که در تربیت فرزندان هر دو پدر و مادر نقش دارند و ممکن است هر یک شیوه تربیتی جداگانه‌ای برای فرزند در پیش بگیرند، از این رو پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های بعدی شیوه تربیتی پدر و مادر به‌طور جداگانه سنجیده شود.

محدودیت عمده این پژوهش این است که همه داده‌ها به کمک پرسش‌نامه گردآوری شد؛ از این رو شرایط روانی نوجوان می‌توانست بر شیوه پاسخ‌گویی او تأثیر بگذارد.

سپاسگزاری

بدین وسیله از همکاری ریاست محترم آموزش و پرورش کل استان آذربایجان شرقی و دکتر مارک نوم، دکتر ویم بیر و دکتر لوک گوسونس که با در اختیار گذاشتن مقالات خود و راهنمایی در یافتن پرسش‌نامه‌های مناسب، اینجانب را یاری کردند و هم‌چنین تمامی دانش‌آموزانی که در این پژوهش شرکت داشته‌اند، سپاسگزاری می‌شود.

دریافت مقاله: ۱۳۸۴/۳/۸؛ دریافت نسخه نهایی: ۱۳۸۴/۶/۸؛

پذیرش مقاله: ۱۳۸۴/۷/۳

1- Oaks
3- Henriksen
5- Gray
7- Noak
9- Olah
11- Fischhoff

2- Jackson
4- Onatsu-arvilommi
6- Rocker
8- Kerr
10- Nightingale

منابع

- environmental studies. *Archives of General Psychiatry*, 52, 955-936.
- Katz, L. F., & Gottman, J. M. (1993). Patterns of marital conflict predict children's internalizing and externalizing behaviors. *Developmental Psychology*, 29, 940-950.
- Lamborn, S. D., Mounts, N. S., Steinberg, L., & Dornbusch, S. M. (1991). Patterns of competence and adjustment among adolescents from authoritative, authoritarian, indulgent and neglectful families. *Child Development*, 62, 1049-1065.
- Nightingale, E., & Fischhoff, B. (2002). Adolescent risk and vulnerability: Overview. *Journal of Adolescent Health*, 11, 3-9.
- Noak, P., Kerr, M., & Olah, A. (1999). Family relations in adolescence. *Journal of Adolescence*, 22, 213-217.
- Noom, J. M., Dekovic, M., & Meeus, W. (1999). Autonomy, attachment and psychosocial adjustment during adolescence: A double-edged sword? *Journal of Adolescence*, 22, 771-783.
- Oaks, C. H., Jackson, T., & Henriksen, L. (1998). The authoritative Parenting Index: Redacting health risk behavior among children and youth. *Health Education and Behavior*, 25, 319-337.
- Oliva, J. (2000). Personal, social and family correlates of emotional autonomy in adolescence. *Paper presented at the Seventh Biennial Conferences of the European Association for Research on Adolescence (EARA)*. Jena, Germany. May 31-June 4.
- Onatsu-arvilommi, T., Nurmi, J. E., & Aunola, K. (1998). Mothers and fathers well being, parenting styles, and their childrens cognitive and behavioral strategies at primary school. *European Journal of Psychology of Education*, 13, 543-556.
- Steinberg, L. (2000). The family at adolescence: Transition and transformation. *Journal of Adolescent Health*, 27, 170-178.
- Townsend, M. C. (2000). *Psychiatric mental health nursing: Concepts of care* (3rd. ed.) (pp. 136-137). Philadelphia: F. A. Davis Co.
- Walker, Z., & Townsend, J. (1998). Promoting adolescent mental health in primary care: A review of the literature. *Journal of Adolescence*, 21, 621-634.
- بوالهري، جعفر (۱۳۸۱). *بهداشت روان*. تهران: انتشارات بشری.
- شریعتمداری، علی (۱۳۷۸). *روانشناسی تربیتی*. چاپ دوازدهم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- لطف‌آبادی، حسین (۱۳۷۸). *روانشناسی رشد (۲): نوجوانی، بزرگسالی*. تهران: سازمان مطالعات تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- لطف‌آبادی، حسین (۱۳۸۰). *نوجوانان و جوانان و خانواده آنان*. تهران: نسل سوم.
- ماسن، پاول هنری (۱۳۷۰). *رشد و شخصیت کودک*. ترجمه: مهشید یاسایی. تهران: نشر مرکز.
- وندرزندن، جیمز و. (۱۳۷۷). *روانشناسی رشد*. ترجمه: حمزه گنجی. تهران: انتشارات بعثت.
- Aunola, K., Statin, H., & Nurmi, J. E. (2000). Parenting style and adolescent achievement strategies. *Journal of Adolescence*, 23, 205-222.
- Beyer, W., & Goossens, L. (1999). Emotional autonomy, psychosocial adjustment and parenting: Interactions, moderating and mediating effects. *Journal of Adolescence*, 22, 753-769.
- Black, D. (1992). Mental health services for children. *British Medical Journal*, 305, 971-972.
- Byrne, B. A., Haddock, C. K., & Poston, S. C. (2002). Mid American Heart Institute: Parenting style and adolescent smoking. *Journal of Adolescent Health*, 6, 418-425.
- Choa, K. R. (2000). The parenting of immigrant Chinnese and European American mothers: Relations between parenting styles, socialization goals, and parental practices. *Journal of Applied Developmental Psychology*, 21, 233-248.
- Darling, N., & Steinberg, L. (1993). Parenting style as a context: An integrative model. *Psychological Bulletin*, 113, 478-496.
- Goldstein, M., & Heaven, P. (2000). Perception of the family, delinquency and emotional adjustment among youths. *Journal of Personality and Individual Differences*, 20, 1169-1178.
- Gray, M., & Steinberg, L. (1999). Unpacking authoritative parenting: Reassessing a multidimensional construct. *Journal of Marriage and Family*, 61, 574-587.
- Henriksen, C., & Rucker, D. (1999). Support for the parents of adolescents: A review. *Journal of Adolescence*, 23, 763-783.
- Hetthrington, M., & Reiss, D. (1995). Genetics questions for